

امپریالیسم آمریکا و جمهوری اسلامی

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه نابود باد امپریالیسم، جنگ و اشغال گری

۳

گفتگوی نشریه کار با رفیق اصلا ن جوادزاده

یکی از اعضاء تحریریه نشریه کار

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

بخش زیادی از کارگران توانستند خواست خود را به سرمایه‌داران تحمیل کنند. اما در شیکاگو به روی کارگران تیراندازی شد که در اثر آن ۶ تن کشته و دهها تن زخمی شدند. اما کارگران به مبارزه خود ادامه دادند. در روز چهارم ماه مه دهها هزارتن از کارگران شیکاگو در میدان اصلی شهر به نام HAY Market دست به تجمع زدند. در حالی که نیروهای سرکوب کارگران را به محاصره درآورده بودند، فرد ناشناسی بمبی به میان افراد پلیس پرتاب کرد که در اثر آن یک نفر کشته و چند تن زخمی شدند. سرمایه‌داران و نیروهای سرکوبکه منتظر بهانه بودند و از قبل برای تار و مار کردن کارگران برنامه ریزی کرده بودند، به روی کارگران آتش گشودند و دیوانه وار به جان کارگران افتاده و به ضرب و شتم آنان پرداختند. شمار زیادی از کارگران دستگیر و زندانی شدند. به دنبال این مسئله ۸۰ تن از رهبران کارگری را به جرم قتل به محاکمه کشاندند. کارگران در این دادگاه فرمایشی قهرمانانه ازخواست خود دفاع کردند و اتهامات بی اساس را رد کردند. سرانجام چهارتن از رهبران کارگری آمریکا به جرم قتل محکوم شدند و شمار دیگری به حبس های طولانی مدت محکوم شدند. بعد از آن فدراسیون کار آمریکا در کنگره‌ای که در اواخر سال ۱۸۸۸ در سن لوئیز برگزار نمود، تصمیم گرفت در روز اول ماه مه ۱۸۹۰، تظاهراتی به یادبود تظاهرات سال ۱۸۸۶ و رهبران کارگری آمریکا و نیز برای تعمیم دادن ۸ ساعت کار در روز به تمام بخش‌های کارگری در سراسر آمریکا برگزار نماید. به هر حال با توجه به این پیشینه بود که کنگره بین الملل سوسیالیستی که به ابتکار انگلس در سال ۱۸۸۹ در پاریس برگزار گردید و خود این کنگره، کنگره موسس انترناسیونال دوم بود، قطعنامه‌ای مبنی بر تعیین روز اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر و روز همبستگی بین المللی کارگران به تصویب

سؤال: در آستانه اول ماه مه قرار داریم. اول ماه مه روز بین المللی کارگران است. این روز از چه زمانی به روز جهانی کارگر تبدیل شد و سرمنشأ آن چیست؟

جواب: تصور می کنم خوانندگان نشریه کار باین موضوع آشنایی دارند و چگونگی تبدیل روز اول ماه مه به روز جهانی کارگر را می دانند. معهذ آنچه را که در این مورد می توان بیان کرد اختصارا بدین صورت است که در دهه ۸۰ قرن نوزده، جنبش کارگری در آمریکا از رشد چشمگیری برخوردار شده بود. شیکاگو مرکز فعالیت های کارگری این کشور بود. در سال ۱۸۸۱ "فدراسیون آمریکایی کار (AFL) تاسیس گردید.

AFL مبارزات وسیعی را حول کاهش ساعات کار و تحصیل ۸ ساعت کار در روز سازمان داد. در آن زمان کارگران ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز کار می کردند. علاوه بر کاهش ساعات کار روزانه، به رسمیت شناخته شدن فعالیت اتحادیه ها، خواست دیگر کارگران بود. AFL در کنگره خویش در سال ۱۸۸۴، روز کار ۸ ساعته را تصویب و به عنوان خواست اصلی کارگران در ابعاد سراسری مطرح نمود و اعتصابات متعددی را حول آن سازمان داد. از سال ۱۸۸۶ که سال ضرب الاجل دستیابی به این خواست بود، موجی از اعتصابات گسترده، شهرهای مختلف آمریکا را دربرگرفت. در روز اول ماه مه همین سال بیش از ۳۵۰ هزار کارگر در شهرهای بزرگ آمریکا مثل نیویورک، سن لوئیز، شیکاگو، بالتیمور، میل واک و برخی دیگر از شهرها، دست به راهپیمایی زدند.

تجاوز نظامی بلوک امپریالیستی آمریکا- انگلستان به عراق و اشغال این کشور عواقب ونتایج وخامت باری به ویژه در کشورهای منطقه به دنبال خواهد داشت. تمام شواهد حکایت از آن دارند که بلوک امپریالیستی با در نظر گرفتن سناریوهای گوناگون و پیچیده، تجاوز نظامی به عراق را از مدت ها پیش برنامه ریزی کرده بود. اما تحولات پس از سقوط رژیم صدام حسین نشان می دهند که این سناریوها نمی توانسته اند تمام جوانب و پی آمدها را پیش بینی کنند.

تمام تاریخ سیاست های خارجی امپریالیستی به طور کلی و امپریالیسم آمریکا به ویژه ثابت می کنند که امپریالیسم برای تامین منافع انحصاراتش از ابزار مختلفی مانند فشار سیاسی و اقتصادی، حمایت از ارتجاع داخلی، توطئه های سیاسی و کودتا و نیز استفاده از گروهها و دسته های موجود، که حاضر به پیش بردن برنامه هایش می شوند، استفاده می کند.

رژیم جمهوری اسلامی چند ماه پیش از آغاز جنگ و مشخصا پس از سفر جکاستراو، وزیر امور خارجه انگلستان به ایران در ۱۷ مهر ۱۳۸۱ اعلام کرد که در صورت آغاز جنگ در عراق "بی طرف" خواهد ماند. هاشمی رفسنجانی در همان زمان گفت: ماهیچ گاه نگفته ایم که با دولت آمریکا مذاکره و مناسبات نخواهیم داشت. پس از آن چند وزیر و وکیل مجلس جمهوری اسلامی از "بی طرفی فعال" سخن گفتند و این همان سیاستی بود که آنان در قبال حمله ی آمریکا به افغانستان، در ازای دریافت چند امتیاز، اتخاذ کرده بودند. بی طرفی فعال در واقع معنایی جز حمایت در عمل از تجاوز نظامی بلوک امپریالیستی به عراق نداشت. معلوم بود که امپریالیست های آمریکایی - انگلیسی بی طرفی فعال جمهوری اسلامی را رایگان به دست نیاورده بودند.

حمله ی هوایی نیروهای متجاوز آمریکایی، در اواخر فروردین، به برخی از پایگاههای مجاهدین خلق در عراق نشان داد که امپریا - لیست ها در پی زوبندهایشان با جمهوری اسلامی هزینه ی "بی طرفی" آن را می پردازند. از سوی دیگر ظاهر جمهوری اسلامی نیروهایی از سپاه پاسداران را برای نابودی نیروهای مجاهدین خلق به عراق فرستاد و یا از گروه های عراقی وابسته به خود در این جهت استفاده نمود. اما در مدت کوتاهی،

در این شماره

۱۲ آوریل : ادامه مبارزه علیه جنگ ۸

خلاصه ای از اطلاعیه ها

۷ و بیانیه های سازمان

۲ اخباری از ایران

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی

کارگران سامیکو صنعت

کارگران کارخانه سامیکو صنعت همدان، در ادامه اعتراضات خود که در نیمه دوم اسفند سال گذشته با اعتصاب و مسدود کردن اتوبان همدان- کرمانشاه همراه بود، باردیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر خانه کارگر این شهر، ضمن اعتراض به تعطیلی کارخانه، خواستار پرداخت حقوق‌های عقب افتاده، ادامه کاری کارخانه و بازگشت به کار شدند. لازم به ذکر است که این کارخانه در آخرین روزهای سال ۸۱ به دستور استان -دار تعطیل اعلام گردید و بیش از ۳۳۰ کارگر آن بلا تکلیف و از کاریکار شده‌اند و بیشتر از ۶ ماه است که حقوق آنها پرداخت نشده است.

* تجمع اعتراضی کارگران مبلیران

روز شنبه ششم اردیبهشت، کارگران شرکت مبلیران، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود و برای بیرون آمدن از بلا تکلیفی چندساله، درست در زمانی که صدفرحسینی وزیر کار رژیم در یک نشست مطبوعاتی در محل این وزارت خانه شرکت کرده بود، در برابر وزارت کار و امور اجتماعی دست به تجمع زدند. ۲۳۰ کارگر این شرکت بیش از ۵ سال است در حالت بلا تکلیفی به سر می برند و از آن ۸۱ حقوق آنان پرداخت نشده است. به گفته یکی از کارگران این شرکت، ابتدا قرار بود اداره کار کارگران را بازخرید و حقوق قانونی آنها در چهار قسط پرداخت شود اما این کار انجام نگرفت و مدتی بعد اداره کار، حکم بازگشت به کار کارگران را صادر کرد. به دنبال این مسئله، وقتی که کارگران در ۱۶ فروردین به محل شرکت مراجعه کردند، با درهای بسته شرکت مواجه شدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت حقوق‌های معوقه و پایان بلا تکلیفی خود شدند.

* اعتراضات کارگری در بهشهر ادامه دارد

اعتراضات کارگران چیت سازی بهشهر هم چنان ادامه دارد. در ادامه راه پیمایی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی کارگران چیت سازی در روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین و بی پاسخ ماندن مطالبات کارگران، روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه باردیگر هزاران نفر از کارگران ابتدا دست به تجمع زدند آنگاه در خیابان‌های شهر به راه پیمایی و تظاهرات پرداختند. این تظاهرات از بلوار هاشمی نژاد و توسط کارگران چیت سازی آغاز گردید که در ادامه، انبوه وسیعی از دیگر کارگران و زحمتکشان شهری به آن ملحق شدند. در حالی که شهر به حالت نیمه تعطیل درآمده بود، اعتراض کنندگان در پارک ملت تجمع کردند و خواستار رسیدگی

و جنوب کردستان عراق پیش آید. امپریالیست ها مسلماً از تمام این ابزارها برای حفظ استیلا و اشغال بلند مدت عراق استفاده خواهند کرد. اما یک مجهول بزرگ تمام این منظره کماکان طبقه کارگر و توده های ستم دیده ی مردم عراق هستند که هنوز در بهت دهها سال دیکتاتوری خون بار رژیم صدام

از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا و جمهوری اسلامی

دو نیروی ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و جمهوری اسلامی وارد یک منازعه جدید با یکدیگر شدند.

رژیم جمهوری اسلامی نمی‌توانست از سیاست های پاناسلامیستی خود دست بشوید. اگر یک کشور در تمام این منطقه می‌توانست در جهت بسط پان اسلامیسیم جمهوری اسلامی حائز بیشترین ظرفیت باشد، آن کشور عراق بود. زیرا این کشور تنها کشوری در منطقه است که بر اساس آمار رسمی دارای بیشترین تعداد جمعیت شیعه است. در ثانی جمهوری اسلامی بیش از دو دهه بر روی یک گروه ارتجاعی به نام مجلس‌اعلی انقلاب اسلامی عراق سرمایه گذاری های هنگفت کرده بود. سقوط رژیم صدام حسین و سیاست‌های توسعه طلبانه و پاناسلامیستی رژیم جمهوری اسلامی بهترین فرصت بود تا بهره وری از میلیونها دلار سرمایه گذاری بر روی مجلس اعلا و بازوی مسلح آن، سپاه بدر، آغاز شود. ولی از سوی دیگر امپریالیسم آمریکانیا آمده بود که عراق را اشغال کند تا رژیمی شبیه به جمهوری اسلامی در آن مستقر گردد. دورانی که امپریالیست ها از جنبش های ارتجاعی اسلامی مانند هیئت حاکمه ی ایران و طالبان افغانستان حمایت می کردند تا با شوروی سابق و کمونیسم مبارزه کنند، مدت‌ها پیش به سرآمده بود. اکنون همین نیروهای ارتجاعی اسلامی به مانعی بر سر راه سیاست های امپریالیسم تبدیل شده‌اند. متجاوزان آمریکایی متوجه شدند که تحولات عراق بر حسب سناریوهای مختلف آن‌ها پیش نمی‌رود. بخشی از تظاهرات هایی که در عراق برضد حضور نیروهای اشغال‌گر صورت می‌گیرد از سوی نیروهای ارتجاعی اسلامی سازمان داده می‌شوند و تا آنجایی پیش‌رفته‌اند که صریحاً از جمهوری اسلامی عراق و آن‌هم با سلطه ی دستگاه روحانیت شیعه ی این کشور سخن می‌گویند. مسلم بود که امپریالیسم آمریکا نمی‌توانست با چنین الترناتیوی موافقت کند. درست در این جا بود که ناگهان سرکوب و نابودی مجاهدین خلق از دستور کار خارج شد. اگر رژیم صدام حسین توانسته بود از مجاهدین خلق، چه به‌عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی و چه به‌عنوان نیروی کمکی برای سرکوب داخلی استفاده کند، هیچ‌دلیلی نداشت که حاکمان اشغال‌گر جدید نتوانند از همان اهرم و به همان دلایل استفاده کنند. این جا بود که چرخشی در سیاست‌های آمریکا در قبال برخورد با مجاهدین خلق به‌وقوع پیوست. این چرخش تا بدانجا پیش‌رفت که نیروی متجاوز آمریکایی و مجاهدین خلق قرارداد آتش بس امضاء کردند و پس از آن معلوم شد که مجاهدین خلق می‌توانند حتا بدون خلع سلاح شدن در عراق و لااقل در برخی از پایگاه هایشان باقی بمانند. ولی بازم این تغییرات تاکتیکی به معنای پایان کار در این مورد مشخص نیست.

زدوبند جمهوری اسلامی با بلوک امپریالیستی آمریکا - انگلیس برای سرکوب و نابودی مجاهدین خلق و تغییر یک سر این اتحاد از جمهوری اسلامی به مجاهدین خلق یک مورد از عدم تحقق بخش هایی از سناریو های امپریالیستی برای اشغال عراق و ناپایداری وضعیت پسران جنگ است. این مورد می‌تواند در آینده در رابطه با گروه‌های حاکم بر شمال

به مشکلات خود شدند. تظاهرات ۲۵ هزار نفری کارگران و زحمتکشان بهشهری رژیم رابه هراس افکند و سبب شد تا هیئت دولت با پرداخت ۵ میلیارد تومان اعتبار ویژه جهت پرداخت مطالبات و دیون کارگران، همچنین برای رفع مشکلات چیت سازی بهشهر موافقت نماید. با این همه آخرین خبرها حاکی از آن است که کارخانه چیت سازی بهشهر کماکان تعطیل است. نزدیک به دو هزار کارگر بلا تکلیف و بیکار شده این کارخانه از حدود ۲۶ ماه پیش تاکنون هیچ گونه حقوق و مزایایی نگرفته‌اند. کارگران چیت سازی خواهان پرداخت حقوق‌های معوقه، ادامه کاری کارخانه و بازگشت به کار می باشند.

* قطعنامه کارگران کردستان

کارگران کردستان، با صدور قطعنامه‌ای در مورد اول ماه مه، ضمن اعلام همبستگی خود با کارگران ایران و سراسر جهان، از جمله خواهان پرداخت فوری حقوق معوقه کارگران، آزادی حق تشکل، تجمع، اعتصاب، آزادی بیان و آزادی تشکل برای کارگران بیکار شدند. کارگران در این بیانیه، جنگ و کشتار مردم عراق را محکوم و همبستگی خود با کارگران بهشهر برای احقاق حقوق خود را اعلام داشته‌اند.

* اعتراض کارگران پارس ایران

مطالبات کارگران نساجی پارس ایران، مثل بسیاری دیگر از کارخانه‌ها، چندین ماه است که پرداخت نشده است. از تیرماه ۸۱، علاوه بر حقوق کارگران، بن کارگری، پاداش و عیدی کارگران هم داده نشده است. در عین حال کارگران پارس ایران از سال ۷۹ نیز مطالباتی طلبکار هستند که کارفرما آن را پشت گوش انداخته و به کارگران نداده است. ۲۹۰ کارگر این کارخانه و خانواده آن‌ها شديداً تحت فشار های اقتصادی و معیشتی قرار دارند و خواهان پرداخت فوری مطالبات خویش‌اند.

* تحصن کارکنان بیمارستان

جمع زیادی از پرسنل بیمارستان بهشتی قم، عصر روز شنبه ششم اردیبهشت ماه، در برابر خانه خامنه ای دست به تحصن زدند. بیش از دو سال است که حقوق کارکنان این بیمارستان پرداخت نشده‌است و همچنان در حالت بلا تکلیفی هستند. لازم به یادآوری است که بیمارستان یادشده از اسفند ۸۰ عملاً تعطیل شده است. اعتراض کنندگان خواهان پرداخت حقوق‌های معوقه و بازگشت به کار هستند.

* اعتراضات دانشجویی

- دانشجویان دانشگاه زابل، ضمن اعتراض به عدم وجود امنیت دانشجویان هنگام تردد در شهر، روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت، در محوطه دانشگاه دست‌به تحصن زدند. تاکنون چندین بار دانشجویان این دانشگاه از جانب افراد ناشناس مورد اذیت و ضرب و شتم قرار

صفحه ۴

حسین، چند جنگ ارتجاعی و اکنون اشغال کشورشان توسط هارترین امپریالیست‌ها به سر می‌برند. زمانی که کارگر نفت عراقی و عموم زحمتکشان این کشور به خود آیند و برای رهایی از تمام اسارت های ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی متشکل شوند و قیام کنند نمی‌تواند بسیار دور باشد.



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه نابود باد امپریالیسم، جنگ و اشغال‌گری

کارگران سراسر جهان امسال با شعار نه به امپریالیسم، جنگ و اشغال‌گری، اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را با تظاهرات، راهپیمایی و گردهم آیی جشن می‌گیرند و نفرت و ایزچار خود را نسبت به امپریالیسم و سرمایه‌داری ابراز می‌دارند.

مشارکت فعال و گسترده کارگران جهان در تظاهرات و راهپیمایی‌ها علیه جنگ افروزی قدرت‌های امپریالیست درخاورمیانه، از چندین ماه پیش، گویای این حقیقت است که کارگران جهان به خوبی به اهداف و مقاصد امپریالیستی جنگ و خطراتی که از این بابت بشریت را تهدید می‌کند، واقف‌اند. نظام سرمایه‌داری جهانی با بحرانی همه‌جانبه روبروست. بارزترین تجلی این بحران، بحران اقتصادی ژرفی است که تاروپود این نظام را فراگرفته است و به یک بحران مزمن و ساختاری تبدیل شده است. این بحران که به عریان‌ترین شکل، حدت بی‌سابقه تضادهای لاینحل این نظام و پوسیدگی آن را برملا کرده است، بیان چیز دیگری جز بن‌بست تاریخی سرمایه‌داری و این حقیقت نیست که این تضادها به درجه‌ای از رشد و حدت رسیده‌اند که مبرمزتر از هر زمان دیگر، راه حل خود را در نفی نظم موجود می‌طلبند.

شکست تلاش‌های سرمایه‌داران برای حل این بحران در طول چندین سال گذشته نیز بیان دیگری از همین حقیقت است. سرمایه‌داران بایه خدمت گرفتن تمام ابزارها و سیاست‌های اقتصادی و انتقال هرچه بیشتر بار سنگین و کمرشکن بحران به دوش کارگران، تلاش نمودند این بحران را به نفع خود حل کنند، اما بحران نه تنها مهارنشده، بلکه پیوسته ژرف‌تر گردید. اکنون، انحصارات جهانی به عنوان فرمانروایان واقعی دنیای سرمایه‌داری، جنگ را به عنوان آخرین راه حل در دستور کار قرار داده تا از طریق نابودی گسترده نیروهای مولده انسانی، یک باردیگر از طریق ویران‌گری بر این بحران غلبه کنند. پیشبرد این سیاست توأم است با تشدید تضادهای انحصارات و قدرت‌های امپریالیست جهان. بلوک امپریالیستی تحت رهبری آمریکا از هم اکنون یک رشته جنگ‌های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه را برای تجدید تقسیم بازارها آغاز نموده و برآن نام مسخره جنگ‌های پیش‌گیرانه را نهاده است. آن گروه از قدرت‌های امپریالیست نظیر فرانسه، آلمان و روسیه که بازارها و منافع اقتصادی و سیاسی خود را در خطر می‌بینند به مخالفت آشکار با این تلاش امپریالیسم آمریکا و متحدین آن برخاسته‌اند. تضاد منافع این گروه‌بندی‌های امپریالیستی روز به روز تشدید می‌شود. هرچند که این تضادها هنوز به نقطه‌ای نرسیده‌اند که به رودرویی قهرآمیز امپریالیست‌ها بیانجامد، اما بالقوه متضمن خطر بروز یک جنگ جهانی است، که نتیجه‌اش نابودی میلیون‌ها انسان در سراسر جهان خواهد بود.

با درک این خطر است که میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و نیروی صلح دوست جهان، در ابعادی بی‌سابقه به خیابان‌ها آمدند و با تظاهرات و راهپیمایی، مخالفت خود را با جنگ افروزی‌های امپریالیست‌ها اعلام نموده و به مقابله با آن برخاسته‌اند. طبقه کارگر ایران نیز به عنوان یک جزء از ارتش جهانی کارگران، خود را در این مطالبات و مبارزات سهیم می‌داند.

کارگران ایران همچون تمام هم‌زنجیران خود در دیگر کشورهای جهان، در نتیجه بحران اقتصادی و سیاست‌های ارتجاعی انحصارات جهانی که رژیم پاسدار منافع سرمایه‌داران در ایران، مجری و پیش‌برنده آن بوده است، با تشدید استثمار، ستم و فقری فزاینده روبرو بوده‌اند. سطح معیشت کارگران ایران دائماً تنزل کرده است و در چند سال اخیر، میلیون‌ها کارگر به صفوف بیکاران افزوده شده‌اند. رژیم حاکم بر ایران، به منظور تشدید استثمار کارگران و تامین سود هرچه بیشتر برای سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی، اکثریت عظیم کارگران ایران را از شمول قانون کار خارج نمود و بدین طریق حتا ابتدایی‌ترین حق و حقوق کارگران را از آنها سلب نمود. علاوه بر همه این‌ها کارگران ایران، همانند عموم توده‌های زحمتکش مردم، تحت حاکمیت دیکتاتوری عریان رژیم جمهوری اسلامی از حقوق مدنی و دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی نیز محروم‌اند.

خطر جنگ و مصائب و بدبختی‌های ناشی از آن نیز برای طبقه کارگر ایران، خطری بالفعل‌تر است. قدرت‌های امپریالیست جهان که اکنون پس از اشغال نظامی افغانستان و عراق، دهها هزار نیروی نظامی را به همراه پیشرفته‌ترین سلاح‌ها بر نیروهای نظامی و پایگاه‌های پیشین خود در منطقه خاور میانه و خلیج فارس افزوده‌اند، در حال پیشبرد سیاست‌های توسعه طلبانه و اشغال‌گرانه خود در تمام این منطقه هستند. در ایران نیز رژیمی ارتجاعی برسر کاراست که از طریق سیاست پان‌اسلامیستی و حمایت و پشتیبانی از جنبش‌های ارتجاعی اسلام‌گرا، اهداف و مقاصد توسعه طلبانه و ضد بشری خود را دنبال می‌کند و مستمسکی برای جنگ افروزی امپریالیست‌هاست. لذا این خطر به عنوان خطری بالفعل همواره وجود دارد، که ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع مذهبی حاکم بر ایران، جنگی را به مردم ایران تحمیل کنند که توده‌های کارگر و زحمتکش، هیچ نقشی و نفعی در آن ندارند تنها سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی از چنین جنگی نفع می‌برند. پس بی دلیل نیست که حتا نمایندگان سیاسی بورژوازی اپوزیسیون ایران نیز از یک چنین جنگی حمایت می‌کنند. جنگی که جز کشتار، ویرانی، فقر، بدبختی و آوارگی چیزی عاید توده زحمتکش مردم نخواهد ساخت. دفع این خطر و نجات توده‌های مردم ایران از شر تمام مصائبی که با آن روبرو هستند، از عهده طبقه کارگر ایران ساخته است. طبقه کارگر ایران این قدرت و توانایی را دارد که انقلاب را بدیل جنگ قرار دهد و نه تنها توده‌های وسیع مردم را از خطر جنگ و فوجای آن و ستمگری‌های بی‌شمار رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی نجات دهد، بلکه وظیفه انترناسیونالیستی خود را در عالی‌ترین شکل ممکن انجام دهد. تنها، انقلاب توده‌ای کارگران و زحمتکش‌شان ایران است که می‌تواند سدی نیرومند، در برابر جنگ افروزی، توسعه طلبی و اشغال‌گری امپریالیسم ایجاد کند. این انقلاب می‌تواند به مطالبات توده‌های وسیع مردم، پاسخی رادیکال و ریشه‌ای بدهد و با برقراری دمکراسی شورایی، بدیل طبقه کارگر را در برابر دمکراسی ادعایی توخالی امپریالیست‌ها و بورژوازی داخلی قرار دهد و این تاکتیک امپریالیستی را خنثا و برملا سازد.

این انقلاب، همچنین با تاثیرات دگرگون‌کننده‌ای که برکل منطقه خواهد داشت، آن بخش از توده‌های ناآگاه منطقه را که تحت تاثیر مسموم‌کننده ارتجاع اسلامی قرار گرفته‌اند، از اسارت ایدئولوژیک سیاسی نجات خواهد داد و ضربه‌ای خردکننده بر جنبش‌های اسلام‌گرای منطقه وارد خواهد ساخت. بنابراین شعار نه به امپریالیسم، جنگ و اشغال‌گری، از یک موضع کاملاً طبقاتی و رادیکال به معنای مبارزه برای نابودی امپریالیسم، جنگ و اشغال‌گری از طریق انقلاب کارگری و برقراری سوسیالیسم است. طبقه کارگر ایران از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی و تسویه حساب با بورژوازی ایران است که می‌تواند این شعار را به واقعیت عملی تبدیل کند و به وظیفه انترناسیونالیستی خود عمل نماید.

با این امید و آرزو که طبقه کارگر ایران بتواند با انجام این کار سترگ، به وظیفه طبقاتی و انترناسیونالیستی خود به خوبی عمل کند، اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان را به عموم کارگران تبریک می‌گوییم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران

سازمان فدائیان (اقلیت)

اردیبهشت ۱۳۸۲

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

از صفحه ۲ اخباری از ایران

گرفته اند. دانشجویان در ادامه تحصن خود، تابلو دانشگاه را به زیر کشیدند و با نصب یک شعارپارچه‌ای با عنوان "فرماندار زابل یا امنیت یا استعفاء" در ورودی دانشگاه را در حالی که گارد ویژه و نیروهای انتظامی در دو طرف خیابان دانشگاه به حال آماده باش ایستاده بودند، بستند. به دنبال این مسئله تمام کلاس‌های دانشگاه تعطیل شد. سرانجام فرماندار، فرمانده نیروهای انتظامی و مسئولین دانشگاه در جمع دانش‌جویان حاضر شدند. دانشجویان با تنظیم بیانیه‌ای در یازده بند، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

- دانشجویان مجتمع آموزش عالی ابوریحان دانشگاه تهران، روز دوشنبه اول اردیبهشت، در اعتراض به نارسایی‌های آموزشی، صنفی و رفاهی از جمله کیفیت نامطلوب غذا و پخت آن، دسته‌تبه تحصن زدند. به دنبال این مسئله، مسئولین این مجتمع در جمع تحصن‌کنندگان حاضر شده و به دانشجویان قول دادند که به این مسئله رسیدگی کنند.

- در اعتراض به نارسایی‌ها و کمبودهای آموزشی و رفاهی، دانشجویان دانشگاه ارومیه نیز در محوطه دانشکده کشاورزی دست به تجمع زدند. از جمله موضوعات مورد اعتراض دانشجویان، ایجاد محدودیت‌های گوناگون برای فعالیت‌های فرهنگی دانشجویان و نیز وضعیت اسفبار خوابگاه‌ها می‌باشد.

- دانشجویان مرکز آموزش عالی دریانوردی چابهار، در اعتراض به کمبودهای آموزشی، حذف برخی واحدهای درسی و برای بهبود وضعیت رفاهی و بهداشتی این مرکز، دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

* دو خبر کوتاه

- رانندگان تاکسی در شهر سقز، در برابر اتحادیه تاکسی‌رانان این شهر، دست به تحصن زدند. افزایش کرایه تاکسی برابر بانرخ تورم سال ۸۲، بیمه کردن کسانی که روی تاکسی کار می‌کنند، از جمله مطالبات تحصن‌کنندگان می‌باشد.

- محبوب نماینده مجلس ارتجاع در نطق پیش‌از دستور خود گفت: "در حال حاضر ۱۰ هزار کارگر در کشور وجود دارند که بین ۳ تا ۳۰ ماه حقوقشان عقب افتاده است."

از صفحه ۸

۱۲ آوریل : ادامه مبارزه علیه جنگ

-های آمریکا وانگلستان خواستند که به فوریت تمام نیروهای نظامی خود را از خاک عراق خارج کنند.

- و بالاخره درسی دیگر که ارض، یعنی شهر داکا مرکز بنگلادش، بیش از ۳۰ هزار نفر از مخالفین جنگ و نیروهای ضد امپریالیست طی یک راهپیمایی عظیم خواستار خروج فوری اشغال‌گران امپریالیست از خاک عراق شدند. این راهپیمایی عظیم با تجمع مخالفین جنگ در مقابل سفارت آمریکا خاتمه یافت. تظاهر کنندگان با تکرار شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و "آمریکایی از عراق خارج شو" دیوارهای سفارتخانه آمریکا را به لرزه در آورده و بار دیگر قدرت عظیم توده‌های مردم را به نمایندگان سیاسی این کشور که در پشت دیوارهای قطور این ساختمان پنهان شده بودند، یادآوری نمود.

گفتگوی نشریه کار با رفیق اصلا ن جوادزاده

یکی از اعضای تحریریه نشریه کار

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

محدود بود. حتی جلسات اتحادیه‌ای نیز به صورت مخفی برگزار می‌گردید. معهدا در سال ۱۳۰۷ نیز کارگران توانستند این مراسم را به صورت مخفیانه اما بسیار منظم و با شرکت حدود ۸۰۰ کارگر برگزار نمایند. حزب کمونیست بیانیه‌ای به مناسبت اول ماه مه و خطاب به کارگران انتشار داد. از آنجا که روز اول ماه مه تعطیل رسمی نبود، بنابراین کارگران نزدیکترین جمعه به اول ماه مه را برای برگزاری مراسم انتخاب می‌کردند. از این رو روز جمعه سوم ماه مه گروه‌های ۳ تا ۵ نفره کارگران، جدا جدا خود را به محلی که از قبل تعیین شده بود، رساندند. آن طور که اردشیر آوانسیان در کتاب خاطرات خود تعریف می‌کند، این مکان، باغی بود متعلق به یکی از اشراف دربیرون از دروازه دولت که از باغبان آنجا اجاره شده بود بدون آنکه باغبان متوجه شود که باغ به چه منظوری اجاره می‌شود. در این مراسم سخنرانی‌های متعددی در مورد اتحاد کارگران، مبارزه برای بهبود وضعیت کارگران، همبستگی بین‌المللی کارگران و امثال آن ایراد گردید. سرودهای انقلابی اجرا شد و در سراسر طول مراسم که از صبح زود تا عصر به درازا کشید، پرچم سرخ راهتزاز بود. در دوران محمد رضا شاه و یادر سال‌های بعد از روی کار آمدن جمهوری اسلامی نیز کارگران هر ساله به شیوه‌های متفاوت و با استفاده از ابتکارات مختلفی این روز را جشن گرفته‌اند. باشکوه‌ترین مراسم علنی اول ماه مه مربوط به نخستین سال بعد از قیام بهمن یعنی اردیبهشت سال ۵۸ است. کارگران کمونیست، کارگران پیشرو و انقلابی، نقش مهمی در برگزاری این مراسم مستقل ایفا کردند.

در تهران نزدیک به نیم میلیون نفر که کارگران وسیعاً در آن شرکت کرده بودند، دست به راهپیمایی زدند و نیروی عظیم خویش را به نمایش گذاشتند.

سؤال: برخورد جمهوری اسلامی با روز اول ماه مه و خواست‌هایی که کارگران در این روز عنوان می‌کنند چه بوده است؟

جواب: برخورد جمهوری اسلامی به این مسائل، در ادامه همان برخوردهای نظام سلطنتی بوده است. هر دوی این نظام‌ها چه سلطنت، چه جمهوری اسلامی، عمیقاً ضد کمونیست و ضد کارگر بوده‌اند و در هیچ موردی، هیچ خواستی از طبقه کارگر را نپذیرفته‌اند مگر با زور و با فشار مبارزات اعتراضی کارگران.

اکثر مطالباتی که کارگران در این روز عنوان کرده‌اند، مربوط به شرایط کار و حقوق اولیه کارگران در مورد فعالیت‌های سندیکایی و حق تشکل و امثال آن بوده که در بسیاری از کشورهای دیگر کارگران به آن دست یافته و توسط دولت‌ها نیز به رسمیت شناخته شده‌است. در جدال دائمی کاروسرمایه، سرمایه‌دار، جدا از توسل به شیوه‌ها و ترفندهای مختلف برای افزایش شدت کار و استثمار، همواره می‌کوشد ساعات زیادتری از کارگر کار بکشد. از این رو یکی از دعوای همیشه کارگران چه در سطح بین‌المللی و چه در مقیاس محلی، همین دعوی کاهش ساعات کار بوده است. و بعد از معیار شدن ۸ ساعت کار روزانه در انترناسیونال دوم، این موضوع یکی از خواست‌های عمده کارگران بوده است. در ایران در یک دروه‌ای که حزب کمونیست و اتحادیه‌های کارگری فعال بودند، دولت وقت

رسید. در این قطعنامه، به این موضوع اشاره شده است که کارگران سراسر جهان در روز اول ماه مه دست به راهپیمایی و تظاهرات می‌زنند و ضمن تاکید بر اتحاد و همبستگی کارگری، برای تقلیل ساعات کار نیز مبارزه می‌کنند. انگلس در آن موقع پیرامون اول ماه مه، کاهش ساعت کار روزانه و اراده طبقه کارگر برای نابودی تمایزات طبقاتی نوشت "تظاهرات اول ماه مه به خاطر ۸ ساعت کار روزانه باید ضمناً نمایان‌گر اراده قاطع طبقه کارگر برای نابودی تمایزات طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد". در حال آن که به بعد است که کارگران در سراسر جهان، این روز یعنی روز اول ماه مه را به عنوان روز کارگر در شکل‌های مختلفی جشن می‌گیرند و از این طریق اتحاد، همبستگی و هم‌سرنوشتی بین-المللی خویش را به نمایش می‌گذارند.

سؤال: در ایران از چه زمانی اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر شناخته شده و کارگران این روز را جشن گرفته‌اند؟

جواب: در ایران حدود ۳۳ سال بعد از ابتکار انگلس و تصمصم انترناسیونال دوم بود که کارگران روز اول ماه مه را جشن گرفتند. دقیقاً - تر بگویم برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) بود که کارگران ایران به استقبال اول ماه مه رفتند و با انجام سخن رانی، بر گزاره‌های تجمعات و راهپیمایی و اجرای نمایش و امثال آن، این روز را گرمی داشتند و به عنوان کردانی از ارتش جهانی کار، همبستگی بین‌المللی خود را با کارگران در سراسر جهان اعلام داشتند. شعار اصلی کارگران در این روز، ۸ ساعت کار در روز بود. در آن زمان کارگران ۱۴ ساعت در روز کار می‌کردند. اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران در برگزاری این مراسم نقش مهمی داشت. کارگران متشکل در این اتحادیه که در جریان مبارزات و اعتصابات خود توانسته بودند ۸ ساعت کار در روز و حتی قراردادهای دستجمعی را به کارفرما بقبولانند، در همبستگی با کارگران جهان روز اول ماه مه را تعطیل کردند و حتی سال بعد هم به همین دلیل در روز اول ماه مه از رفتن به سر کار خودداری کردند. چند تن از کارگران در میدان توپخانه تهران، پیرامون وضعیت کارگران، روز اول ماه مه و همبستگی بین‌المللی کارگری سخنرانی کردند. اخبار برگزاری مراسم اول ماه مه چه در ایران و چه در سایر کشورها، در آغاز در روزنامه "حقیقت" و بعد روزنامه "کار" که ارگان اتحادیه عمومی کارگران مرکزی بودند، وسیعاً انتشار یافت. اتحادیه عمومی کارگران مرکزی، چندین اتحادیه را متشکل ساخته بود و نزدیک به به هشت هزار عضو داشت. به هر حال از آن به بعد، کارگران ایران روز اول ماه مه را به طرق مختلف جشن می‌گیرند. هرگاه توانسته‌اند این مراسم را به صورت وسیع و علنی برگزار کرده‌اند و در اغلب اوقات به علت وجود دیکتاتوری و خفقان و سرکوب، چه در دوره رضاخان، چه محمدرضا پهلوی یا جمهوری اسلامی، این مراسم را عمدتاً به صورت مخفی و در گروه‌های کم‌عده برگزار نموده‌اند. به عنوان مثال در دوره رضاخان و پس از تاج‌گذاری وی (۱۳۰۴) حزب کمونیست ایران و اتحادیه‌های کارگری شدیداً سرکوب شدند. دیگر امکان کار علنی وجود نداشت و یا لاقلاً بسیار بسیار

از صفحه ۴

ضمن به رسمیت شناختن فعالیت‌های سندیکایی، ۸ ساعت کار در روز را هم پذیرفت.

اما این مسئله دوام چندانی نیاورد و رضا خان با سرکوب کمونیست‌ها و کارگران، این دستاوردها را پس گرفت. در دهه بیست که بار دیگر جنبش کارگری گام‌هایی به جلو برداشت، کارگران توانستند روز کار هشت ساعته را به سرمایه داران بقبولانند، اما با کودتای محمد رضا شاه و سرکوب‌های بعدی، چیزی از این مسئله باقی نماند. در سال‌های بعد از آن نیز چه در اعتراضات و اعتصابات و چه در تجمعات و میتینگ‌ها، هشت ساعت کار در روز یکی از خواست‌های کارگری بود. تا این که سرانجام قانون کار آریامهری در سال ۳۸، ۸ ساعت کار روزانه و ۴۸ ساعت در هفته را رسمیت داد. برخورد‌های جمهوری اسلامی هم با کارگران و خواست‌های کارگری جدا از این روال عمومی نبوده است.

همین روز اول ماه مه یا قانون کار را در نظر بگیرید. جمهوری اسلامی به هیچ وجه نمی‌خواست روز اول ماه مه را به عنوان روز کارگر و به عنوان روز تعطیل کارگری به رسمیت بشناسد. خمینی شارلاتان، با شیادی و عوام‌فریبی می‌خواست موضوع اول ماه مه و خواست کارگران راماست مالی کند. قرار بود همه کارگر باشند، خدا هم کارگر باشد، و همه روزها، روز کارگر باشد و از این خزعبلات! اما کارگرانی که برای بهبود شرایط کار، پایان دادن به جور و ستم سرمایه داران، برای کسب حق و حقوق کارگری و مداخله در امور خویش و برای استقرار یک نظام انسانی انقلاب کرده بودند، به این هجویات گوش نکردند و برخاست خویش مبنی بر به رسمیت شناخته شدن یازده اردیبهشت (اول ماه مه) به عنوان روز کارگر و تعطیل رسمی این روز پای فشردند و سرانجام هم سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها را وادار کردند این خواست کارگری را بپذیرند و به آن تن بدهند. این موضوع در ماه ۶۳ قانون کار رژیم نیز که می‌گوید «علاوه بر تعطیلات رسمی کشور، روز کارگر (۱۱ اردیبهشت) نیز جزء تعطیلات رسمی کارگران به حساب می‌آید» انعکاس یافت.

در مورد قانون کار نیز قضیه تقریباً به همین شکل بود. به این معنی که جمهوری اسلامی در آغاز در قانون کار خود، حتماً حاضر نبود اسمی از کارگر ببرد. در لایحه فوق ارتجاعی قانون کاری که در سال ۶۱ توسط توکلوی وزیر کار وقت بر مبنای «باب اجاره» و «جعاله» و موازین شرعی و فقهی تهیه و تنظیم شده بود، کارگر «اجیری» بود که «مستاجر» وی را «اجاره» می‌کرد و می‌توانست این «اجیر» را به دیگران هم «اجاره» بدهد. معیارهای ناظر بر روابط میان کارگر و کارفرما، تماماً توسط سرمایه دار تعیین می‌شد. بر موضوعات مهمی چون استخدام، اخراج، تعیین دستمزد، شرایط کار و دهها موضوع دیگر، هیچگونه ضابطه‌ای جز اراده «جاعل» یعنی همان سرمایه دار، حاکم نبود. خلاصه این که این لایحه نه فقط با سطح خواست‌ها، مطالبات و انتظارات کارگرانی که به تازگی رژیم ضد کارگری سلطنتی را واژگون کرده بودند، خوانایی نداشت؛ بلکه حتماً نسبت به قانون کار ارتجاعی رژیم شاه، عقب‌تر هم بود. در آن زمان کار زار بسیار وسیعی علیه این لایحه راه افتاد و همه دیدیم که طبقه کارگر با دست زدن به یک رشته اعتراضات مداوم و مستمر در سراسر ایران، در برابر ارتجاع حاکم شجاعانه ایستاد و بر سینه این لایحه فوق العاده ارتجاعی و تهیه کنندگان مرتجع آن، دست زد. جمهوری اسلامی اجباراً به عقب نشینی تن داد و به قانون کار فعلی که جریان تصویب آن هفت

هشت سال طول کشید رضایت داد. همان طور که می‌دانید قانون کار فعلی پس از تصویب نمایندگان مجلس در سال ۶۸ توسط شورای نگهبان رد شد و سرانجام در مجمع تشخیص مصلحت، مصلحتاً به تصویب رسید و از اواخر سال ۶۹ نیز به اجرا گذاشته شد. این قانون کار، به رغم آن که در کلیت خود یک قانون ارتجاعی است و از منافع طبقه سرمایه دار دفاع می‌کند، اما از لایحه اولیه پیشنهادی توکلوی فاصله دارد و تصویب آن گامی به پیش به سود کارگران محسوب می‌شد.

سؤال: ولی جمهوری اسلامی مدتی است که دارد برای تغییر قانون کار به زبان کارگران برنامه‌ریزی می‌کند و ظاهراً برای دستکاری و تغییر آن موقعیت را مناسب یافته است؟

جواب: بله همین طور است و من داشتم همین را می‌گفتم که سرمایه داران و دولت‌های سرمایه‌داری اگر تحت شرایط معینی مجبور می‌شوند امتیازاتی را به کارگران بدهند و خواست آنها را بپذیرند، با تغییر شرایط دوباره آن را پس می‌گیرند. در دوره سلطنت رضاخان و پسرش این گونه بود، در جمهوری اسلامی هم که یک رژیم مذهبی و به غایت ارتجاعی است مسئله به همین صورت است. سرمایه داران و دولت اسلامی حامی آنها اگر چه با کنار نهادن «باب اجاره» موقتاً قانون کار را از شمول موازین فقهی و شرعی معاف ساختند و به این عقب نشینی که محصول شرایط سیاسی و توازن قوای معینی بود تن دادند، اما اولاً سوراخ سنبه‌های قانونی لازم جهت برهم زدن این وضعیت و خارج ساختن اکثریت کارگران از شمول قانون کار را در دل همان قانون کار تعویبه کرده بودند، و در ثانی تقریباً بلافاصله از همان لحظه کنار گذاشتن لایحه توکلوی در صدد جبران این عقب نشینی و بازپس گرفتن آن چیزی برآمدند که کارگران به زور پذیرش آن را به آنها تحمیل کرده بودند. به یک عبارت، تعرض به کارگران از همان دوره رفسنجایی و برنامه‌های اقتصادی وی که در راستای برنامه‌ها و سیاست‌های ارتجاعی موسوم به نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود، آغاز گردید و در ادامه خود با اجرای پیگیرتر و همه جانبه‌تر این سیاست‌ها و برنامه‌ها، فشار کار و استثمار وحشیانه کارگران بیش از پیش تشدید گردید. بیکارسازی‌های وسیع، صدها هزار کارگر را به خیابان پرتاب کرد. سطح زندگی و معیشت کارگری به طرز وحشتناکی سقوط کرد. دولت خاتمی و مجلس ارتجاع اسلامی، تمام استعداد خود را علیه طبقه کارگر به کار بستند و از هیچ اقدامی علیه کارگران، از واگذاری مراکز تولیدی و صنعتی به بخش خصوصی و «آزادها» بگیرتا ایجاد تسهیلات و حمایت‌های مالی و قانونی برای تأمین هر چه بیشتر منافع سرمایه داران داخلی و شرکاء خارجی آنها فروگذار نکردند و البته که در همه حال توافق ضمنی سران تشکل‌های رسوا شده شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر را نیز با خود داشتند و به یاری همین‌ها بود که تعرض به قانون کار را نیز تدارک دیدند. بر مبنای یک مصوبه مجلس در سال ۷۸، ابتدا کارگاه‌های کوچک با کم‌ترازه کارگر را از شمول قانون کار خارج نمودند. بر پایه همین مصوبه، بعداً کل کارگران قالبیاف رانیناز شمول قانون کار خارج نمودند. با تصویب لایحه به اصطلاح بازسازی و نوسازی صنایع، دست کارفرمایان را در اخراج کارگران بازتر کردند. معهداً سرمایه داران و دولت

حامی آنها که تعرض همه جانبه‌ای را علیه کارگران آغاز کرده بودند، به این‌ها اکتفا نکرده و سرانجام به یاد اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار افتادند. در ماده ۱۹۱ قانون کار آمده است «کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان برحسب مصلحت، موقتاً از شمول بعضی مقررات این قانون مستثنی نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثنا، به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید». و همان‌طور که می‌دانید چند ماه پیش بر مبنای پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب هیئت وزیران، کارگاه‌های با ۱۰ کارگر و کمتر، از شمول دهها ماده و تبصره قانون کار که اصلی‌ترین مواد و تبصره‌های قانون کار هستند، معاف شدند. این مواد و تبصره‌ها به نحوی انتخاب شده است که در عمل اکثریت عظیم کارگران ایران، حقوقی را که طی دهها سال مبارزه و تلاش خود به دست آورده بودند، از آنها سلب شده است. ماده ۱۰ که مربوط به انعقاد قرار دادهای مکتوب بود و در آن دستمزد، مزایای کار، نوع کار، ساعات کار، مرخصی و امثال آن باید قید می‌شد، حذف شده است. علاوه بر آن ماده ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۳، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۳، ۱۷۵ و ماده ۱۸۰ که مجموعاً ۳۷ ماده و تبصره قانون کاری باشند، تماماً حذف شده‌اند. اشاره به تک تک این مواد و تبصره‌ها و عوارض ناشی از حذف آن‌ها از حوصله این گفتگو خارج است. همین قدر کافی ست گفته شود که با این تغییرات، هرگونه محدودیتی برای اخراج کارگران از میان برداشته شده است. اگر کارخانه‌ای واگذار می‌شود، کارفرما و صاحب جدید کارخانه، هیچگونه تعهد و مسئولیتی در قبال تعهدات کارفرمای پیشین ندارد. برای ساعات کار هیچ محدودیتی وجود ندارد. ۸ ساعت کار در روز و ۴۴ ساعت کار در هفته که ثمره تلاش کارگران و جنبش تقلیل ساعات کار در چند دهه گذشته بود، حذف شده است. یک روز تعطیل در هفته با پرداخت دستمزد، اضافه دستمزد شب کاری و فوق‌العاده نوبت کاری و نیز تمام بندهای مربوط به خدمات رفاهی کارگران حذف شده است. موادی که برای مجازات و جرائم تخلف کارفرمایان از قانون کار پیش بینی شده بود نیز حذف شده است. در یک کلام عملاً چیزی از قانون کار باقی نمانده است و میلیون‌ها کارگر به عبارتی نزدیک به ۹۰ درصد کارگران ایران، در عمل از شمول قانون کار خارج شده‌اند و مسئله به همین جا هم خاتمه نخواهد یافت. کارفرمایان در کارگاه‌های بالای ۱۰ کارگر هم قطعاً دست به اخراج کارگران خواهند زد تا شمار کارگران را به مرز ۱۰ نفر برسانند و از مزایای اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار بهره‌مند شوند. با اجرای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از جمله مسئله خصوصی سازی‌ها و نیز با خروج کارگاه‌های کوچک ده نفره از شمول قانون کار که میلیون‌ها کارگر یا به کلی از کار اخراج شده‌اند یا در منتهای بی‌حقوقی هر لحظه در معرض اخراج و بیکاری اند، مقدمه ورود سرمایه‌های خارجی برای استفاده از این زمین بکر و آماده و نیروی کار ارزان و سرگردان فراهم شده است.

البته کارگران در برابر این یورش وحشیانه سرمایه داران، دست به مقاومت و مبارزه زده‌اند و خواهند زد و به این سادگی از حقوق خود نخواهند گذشت. معهداً نباید فراموش

از صفحه ۵

کرد که در نبود تشکل های مستقل کارگری و محرومیت کارگران از تشکل های توده ای سراسری، این مبارزه، علی العموم مشکل تر و بغرنج تر خواهد بود و از لحاظ شمربخشی مبارزات کارگری و دستیابی به نتایج مطلوب، قطعاً مبارزه متشکل و سراسری، با مبارزات پراکنده، خود به خودی و محلی، قابل قیاس نیست.

سؤال: مدتی است که تشکل های مستقل کارگری به یکی از مباحث مهم در محافل کارگری تبدیل شده است، حتی نمایندگان سازمان جهانی کار نیز در این زمینه به اظهار نظر پرداخته اند. سؤال این است که اولاً این مباحث بر چه زمینه هایی دارد عنوان می شود؟ ثانیاً تشکل مستقل کارگری چه نوع تشکلی است؟

جواب: همان طور که می دانید جمهوری اسلامی برای برون رفت از بحران اقتصادی، چندین سال است به قرضه از بانک ها و سرمایه های خارجی مثل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی روی آورده و خواستار سرمایه گذاری انحصارات بین المللی شده است و برای پذیرش پیش شرط های ورود به سازمان تجارت جهانی (WTO) نیز اعلام آمادگی کرده است. اما سرمایه های خارجی و انحصارات مالی جهانی، علاوه بر نیروی کارآزان و آماده، خواهان ضمانت ها و حمایت های کافی قانونی نیز هستند و در این میان معیارها و مقررات جاری فیما بین کارگر و کارفرما، انطباق این قوانین و مقررات با معیارهای مورد نظر صاحبان این سرمایه ها به تشخیص سازمان جهانی کار که پیش برنده سیاست های همین انحصارات است، حائز اهمیت بسیار زیادی است. از این روست که ما، به ویژه در دو سه سال اخیر، از یک سو ناظر چانه زنی دولت اسلامی با سازمان جهانی کار و امضا برخی کنوانسیون های این سازمان توسط جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر، در این اواخر ناظر اعزاز هیئت های نمایندگی ILO به ایران هستیم. یکی از کنوانسیون های مرکزی ILO که جمهوری اسلامی برای امضا آن اعلام آمادگی نموده است، کنوانسیون شماره ۸۷ مربوط به تشکل های آزاد و مستقل است. حضور نمایندگان ILO در مهرماه گذشته در ایران، برای بررسی وضعیت تشکل های کارگری موجود و در اساس به منظور بررسی شرایط و نحوه عملی کردن مفاد این مقاله نام بود. ILO، سازمانی که چندین سال در اجلاس های رسمی خود از شوراهای اسلامی و خانه کارگر به عنوان تشکل های کارگری استقبال کرده بود و با کارگزاران و فرستادگان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به مثابه نمایندگان کارگران ایران، برخورد کرده بود، شما دیدید که نمایندگان اعزامی اش به ایران، مستقل بودن و آزاد بودن این تشکل ها را زیر سؤال بردند. این که این تشکل ها کارگران ایران را نمایندگی کنند نفی کردند و از لحاظ ساختاری نیز این تشکل ها را مغایر مفاد مقاله نامه ۸۷ و معیارهای ILO ارزیابی کردند. البته این ها را نه به طور صریح و شفاف، بلکه به شیوه دیپلماتیک و اداری و بسیار محافظه کارانه و دو پهلو بیان کردند. در عین حال باید اضافه کرد که این قضاوت و اظهار نظر منحصر به نمایندگان ILO نیست. حتی محبوب و صادقی و دیگر سران خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار نیز به این ناهمخوانی اعتراض کرده و از ضرورت تغییر ساختار این تشکل ها طبق خواست و رهنمودهای ILO دفاع می کنند و به آن رضایت داده اند. جبهه مشارکت و دوم خرداد و به یک تعبیر دولت که دعوت کننده ILO و طرف اصلی مذاکره و

مشاوره سازمان جهانی کار است و سالیان متمادی از این تشکل های ارتجاعی و دست ساز رژیم به عنوان تشکل هایی که کارگران را نمایندگی می کنند نام برده و آنها را به اجلاس های ILO اعزام نموده و از این نهادها علیه کارگران استفاده کرده اند، نیز از ضرورت تغییر این تشکل ها در راستای دیدگاه های نمایندگان ILO دفاع می کنند تا هر چه زودتر این مسئله نیز حل و فصل شود تا از این جنبه نیز موانع موجود برای سرمایه گذاری ها و سرمایه های انحصاری برداشته شود.

امروز مسئله فقط این نیست که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، تشکل های مستقل و واقعی کارگری نیستند و در هر کارخانه ای هم که شکل گرفته اند، کارگران آن کارخانه را نمایندگی نمی کنند و از این جنبه بی اعتبارند، موضوع این است که وضعیت نمایندگی کار-گران و تشکل های کارگری در اکثریت عظیم واحد های تولیدی اساساً ناروشن است. شوراهای اسلامی کار، طبق ماده ۱۵ قانون تشکیل شوراهای می بایست در واحدهای با بیش از ۳۵ کارگر تشکیل می شد و حدود ۸۵۰۰ واحد تولیدی شامل تشکیل این شورا ها می شد. با وجود آن که دولت با تمام نیرو حامی این نهادهای ارتجاعی بود، این ارگان ها در نهایت تنها در حدود ۲۷۰۰ واحد تولیدی شکل گرفت. به عبارت دیگر در بیش از دو سوم واحدهای تولیدی همچنان در شرکت های بزرگ دولتی شرکت های تابع وزارت نفت، پترو شیمی، گاز، آب، نیرو و امثال این ها، چنین نهادهایی اساساً شکل نگرفت. افزون بر این ها بخش اعظم کارگران ایران در کارگاه های کوچک (زیر ۳۵ کارگر) کار می کنند که وضعیت حقوقی و نمایندگی آنها در مسائل مربوط به روابط کار و کارفرما و امور کارگری و نمایندگی، به طور کلی مبهم و ناروشن است. در واقعیت امر شوراهای اسلامی کار، صرف نظر از ماهیت، نقش و ساختار آنها، در بهترین حالت می تواند فقط حدود ۵ درصد کارگران را به اصطلاح نمایندگی کند! حال سازمان جهانی کار که یک نهاد سیاسی بین المللی و ارگان پیش برنده سیاست های نهادهای مالی بین المللی است و خواهان تضمین های روشن، کافی برای سرمایه گذاری است، چگونه می توانست روی این ۵ درصد حساب باز کند؟ طرف حساب سرمایه گذار، نه تشکل های وابسته مربوط به قشر محدودی از کارگزاران رژیم در میان کارگران که خود برپا دارندگان آن هم به نفی اش رسیده اند، بلکه کل کارگران ایران و حصول به اطمینان های کافی در مقیاس کلی است و بنابراین نمی تواند با طناب این تشکل ها به چاه برود و دنبال ایجاد تشکلی است که تا همین کنده چنین اطمینانی باشد.

تا جایی که به کارگران مربوط می شود، آنان سالهاست که ماهیت شوراهای اسلامی و خانه کارگر را به عنوان تشکل های ارتجاعی-جاسوسی وابسته به رژیم شناخته اند و بدیهی است که خواهان انحلال این ارگان ها و برپایی تشکل های واقعا مستقل خویش باشند. به هر رو، عمر شوراهای اسلامی و خانه کارگر از زاویه تامین نیازهای طبقه حاکم به سر رسیده است. این نهادها، هم برای دولت وهم برای طبقه بورژوازی، کارآیی خود را از دست داده اند. بورژوازی داخلی درست که مانند شرکای خارجی خود، خواهان است که تشکل کارگری به نحوی باشد، که در کار سرمایه اخلال نکند، که در قوانین و اصول ناظر بر آن، سرمایه دار از اختیارات و ضمانت های کافی برای کنترل آن برخوردار باشد، که محیط کار از مسائل و مشاجرات سیاسی، از اغتشاشات و بحران های کارگری برکنار بماند، تا سرمایه بتواند در محیطی امن و بی دغدغه، با اتکاء به مواد قانونی شسته و رفته و سیاه روی سفید، کارگر

را استثمار کند. در چنین فضایی است که تشکل های کارگری وابسته تاکنونی نفی و بحث تشکل های مستقل کارگری مطرح می شود. امداریا سخ به قسمت دوم سؤال شما و این که تشکل مستقل کارگری چگونه تشکلی است، صرف نظر از دیدگاه های ILO و دولت ایران به عنوان مدافعان منافع بورژوازی و اهداف آنها از طرح این شعار که بخشا به آن اشاره کردم، در میان جریان های سیاسی، نیروها، افراد و محافل کارگری که برای تحقق آرمان ها و مطالبات کارگری فعالیت و مبارزه کرده و می کنند و یا در هر حال به مسائل و مبارزات کارگری اظهار علاقه می کنند، درک ها و دیدگاه های متفاوتی وجود دارد.

یک دیدگاه، با حرکت از این نقطه که در جمهوری اسلامی، تشکل های کارگری، وابسته به جناح های حکومتی بوده اند، و تشکل هایی بوده اند که بر مبنای اعتقاد به مبنای دین و مذهب و ایدئولوژی اسلامی شکل گرفته اند، تشکل هایی بوده اند که زیر نفوذ، یا وابسته به احزاب و جریان های سیاسی دولتی و جناح های حکومتی بوده اند، به نحوی که به ابزاری برای پیشبرد سیاست ها و مقاصد آنها تبدیل شده اند، به درستی بر استقلال تشکل های کارگری از دولت، جناح های حکومتی، نهادها و احزاب وابسته به آنها تاکید می کند. اما این استقلال را تا آن جا ادامه می دهد که هرگونه دخالت و فعالیت احزاب و جریان های سیاسی در تشکل های کارگری را ولو آن که این احزاب و جریان های سیاسی از منافع طبقه کارگر هم دفاع کنند، نفی و منع می کند. به عبارتی استقلال تشکل های کارگری از احزاب و سازمان های سیاسی وابسته به جمهوری اسلامی را تا عدم دخالت هرگونه حزب و جریان سیاسی تعمیم می دهد. این گرایش که به شدت نگران پیشبرد سیاست های نادرست و انحرافی از جانب جریان های سیاسی در میان کارگران است، با تاکید بیش از اندازه بر توده کارگران و کم رنگ ساختن نقش پیشروان آگاه کارگری و کمونیست ها، در ادامه و تعمیق این نگرش به «بی طرفی سیاسی» کارگران و در افراطی ترین حالت خود، به نفی کار سیاسی در میان کارگران و به نفی مبارزه و فعالیت سیاسی کارگران می رسد و در عمل تمام فعالیت ها و مبارزات کارگری را به فعالیت و مبارزه در عرصه صنفی و اقتصادی محدود می کند و دچار روزمرگی می شود.

در برابر این دیدگاه دیگری وجود دارد که یا هیچ نقش و جایگاهی برای توده کارگران و مسائل آنها قائل نیست، و یا این نقش را بسیار ناچیز و کم اهمیت می داند. این گرایش بر این باور است که در مورد همه چیز تشکل های کارگری باید حزب سیاسی تصمیم بگیرد و تشکل صنفی کارگری را، صد در صد وابسته به حزب می خواهد. حتا در مورد حزبی ترین مسائل و فعالیت های تشکل های کارگری، دخالت حزب را الزامی می داند. به عبارت دیگر دخالت و فعالیت احزاب سیاسی در تشکل های صنفی کارگری را تا آنجا تعمیم می بخشد که از تشکل کارگری، یک تشکل حزبی می سازد و هیچ نقشی برای توده کارگران غیر حزبی و تصمیم گیری آنها قائل نیست. نتیجه نهایی یک چنین طرز تفکری، تصمیم گیری از فراسر کارگران، بی ربطی تصمیمات حزبی سیاسی با خواست توده کار -گران، جدایی مرکز کار حزب از کارگران و بیگانگی آن با مسائل و مشکلات روزمره و ملموس کارگران و به یک تعبیر، نادیده گرفتن فعالیت ها و مبارزات صنفی و اقتصادی

از صفحه ۶

کارگران است. روشن است که این هر دو دیدگاه، دیدگاه‌هایی انحرافی در زمینه تشکلهای مستقل کارگری، دردور جنبش کارگری هستند. هر گرایش یاطرزفکری که بخواهد میان فعالیت - مبارزات سیاسی طبقه کارگر و فعالیت ها و مبارزات صنفی اقتصادی این طبقه، دیوارچینی بکشد و با بزرگ کردن یک جنبه، جنبه دیگر این فعالیت‌ها، مبارزات و خواست‌های کارگری را کم اهمیت و مهم تر از آن زاید جلوه دهد و حذف کند، صاف و ساده به یک انحراف در غلطیده است. هیچ مارکسیستی نمی تواند مبارزه صنفی طبقه کارگر را ندیده بگیرد و یا ضرورت این مبارزه را نفی کند. از آن جا که گرایش عمومی نظام سرمایه داری به سوی کاهش سطح زندگی کارگران است، مبارزه صنفی کارگران، امری ناگزیر و ضروری و یکی از ابزارهای اساسی پرولتاریا جهت مقابله با این گرایش است. درجایی که کارگران، پراکنده و فاقد تشکل هستند، پیشبرد این مبارزه بسیار مشکل و کمترترین موفقیت می‌شود. اما گردآمدن کارگران در تشکلهای طبقاتی خوداز جمله درسندیکاها و اتحادیه‌ها، نیروی طبقاتی کارگران را متحد و متمرکزی سازد و سرمایه داران و دولتهای حامی آنها را مجبور می کند کارگران را به حساب آورند و به خواست‌های صنفی یا سیاسی آنها تن بسپارند. مبارزه صنفی کارگری جدا از مبارزه سیاسی طبقه کارگر نیست و این دو جنبه از مبارزات کارگری دارای پیوندی ناگسستنی هستند. چرا که در دل هر مبارزه یا خواست صنفی-اقتصادی، نطفه یک مبارزه و خواست سیاسی نیز نهفته است. اگر به فرض مبارزه کارگران با سرمایه داران منفرد به منظور کاهش ساعات کار، جنبشی صرفا اقتصادی است، اما همین جنبش، وقتی که به مبارزه برای قانونی کردن ۸ ساعت کار در روز تبدیل می‌شود، جنبشی سیاسی است. یعنی جنبش‌های اقتصادی منفرد کارگران، به جنبش در شکلی کلی‌تر و عمومی‌تر، جنبش کل طبقه کارگر برای تحقق یکی از خواست‌های این طبقه تبدیل می شود. این که مطرح شود اتحادیه‌ی کارگری یا در بحث مورد نظرها، تشکل مستقل کارگری باید به گونه ای باشد و آن چنان ساختاری داشته باشد که از پرداختن به خواست‌ها و مسائل سیاسی و دخالت در آن پرهیز کند، احزاب سیاسی در آن دخالتی نداشته باشند، از هیچ سیاستی تبعیت نکند و صرفا به مسائل صنفی و اقتصادی بپردازد، این یک خیال بافی محض و در بهترین حالت خوش باوری ساده اندیشانه‌ای است که در عالم واقعیت اساسا نشدنی و غیر ممکن است. اولاً در میان کار-گرانی که چنین تشکل‌هایی را تشکیل می دهند، هم می تواند اعضا یا سمپات‌های سازمان‌ها و احزاب سیاسی وجود داشته باشند، هم می تواند کارگرانی وجود داشته باشند در چارچوب‌های اعتقادی-نظری این سازمان‌ها و احزاب سیاسی اما بدون وابستگی به آنها. این مسئله خیلی روشن است که نه می‌توان از ورود این دسته از کارگران به تشکلهای صنفی کارگری ممانعت به عمل آورد، یا به فرض ورود آنان را به ارانه جواز معینی مشروط کرد، و نه می‌توان به آنها گفت و یا از آنها خواست که سیاست را فقط تا پشت در این تشکل‌های کارگری مجازند با خود حمل کنند و مدام که در این تشکل‌های غیرحزبی حضور دارند و در آن فعالیت، باید ایده‌ها و گرایش‌های نظری-سیاسی خود را فراموش کنند. بنابراین برکناری از مسائل سیاسی و بی

طرفی سیاسی، حرف بی ربطی است و کسی که عدم مداخله در امور سیاسی یا بی‌طرفی سیاسی را برای تشکلهای کارگری تجویز می کند، در واقعیت امر صحنه را به بورژوازی واگذارد می کند و تشکل‌های کارگری را به تبعیت از سیاست بورژوازی می کشاند. از این رو نه فقط نمی‌تواند صحبتی از عدم دخالت احزاب سیاسی در تشکلهای غیر حزبی کارگری در میان باشد، اتفاقا این موضوع تا آن جا که به کمونیست‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی مدافع منافع طبقه کارگر برمی‌گردد، یک ضرورت حیاتی و یکی از مهم‌ترین وظایف آنها محسوب می‌شود. نگفته روشن است که بدون حضور فعالانه کارگران، بدون خواست و مشارکت توده کارگران، ولو یک حزب سیاسی هم بخواهد، تشکل توده‌ای کارگری شکل نخواهد گرفت. اگر هم در غیاب کارگران و به طور اراده گرایانه تشکلی به وجود آید، دیگر تشکل واقعی کارگری نخواهد بود و جزیک تشکل کاغذی، بی‌ربط به طبقه کارگر و کارکمونیستی، چیزی از کار در نخواهد آمد. به هر رو، هم سنت‌های کمونیستی در ایران و هم سنت‌های بلشویکی با این دیدگاه‌ها و شیوه‌ها عمیقاً بیگانه است. در این سنت، فراکسیون‌های حزبی در درون اتحادیه‌ها و سازمان‌های کارگری فعالند، روی بسیج کار-گران، شرکت توده کارگران در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب نمایندگان از پائین، تاکید ویژه می‌شود. ارتباط دایم میان سازمان‌های حزبی و اتحادیه‌های کارگری، تشویق کارگران عضو حزب به ورود در اتحادیه‌های کارگری، شرکت فعال در مبارزات و فعالیت‌ها، و حمایت اکید از تمایلات کارگران برای ایجاد تشکلات مستقل و اتحادیه‌های، امری بدیهی شناخته می‌شود. به هر حال صرف نظر از این توضیح عام، تا آن جا که به شرایط مشخص ایران برمی‌گردد، در شرایط سرکوب و خفقان کنونی، پیشروان و فعالان کارگری، قاعداً نباید ایجاد کمیته‌های مخفی در هر کارخانه و کارگاه و ایجاد رابطه فعال میان این کمیته‌ها را از دستور کار خویش خارج سازند. این کمیته‌ها، عجالاً مطمئن‌ترین تشکل‌هایی هستند که اولاً در شرایط کنونی ایجاد شدنی هستند و قادرند ضمن سازماندهی اعتراضات کارگری، ادامه کاری داشته باشند، دوماً این کمیته‌ها در شرایط اعتلاء جنبش کارگری به فوریت فراگیر شده و به شوراهای کارگری فرامی‌رویند. معهداً این صحبت، مطلقاً به معنای آن نیست که کارگران به برپایی سایر اشکال سازمانی و یا تشکلهای مستقل کار-گری فکر نکنند و یا برای ایجاد آن تلاش و مبارزه نمایند.

سؤال: پرسش‌های من تمام شد، شما نکته‌ای دارید که بخواهید اضافه کنید؟

جواب: من فقط می‌خواستم ضمن خواندن این شعر: ای کارگران عید شما امروز است- امروز برای کارگر نوروز است روزی است که از طنطنه کارگری- سرمایه پرست در گذار و سوز است. ۸۰ سال پیش (اردیبهشت ۱۳۰۲) به مناسبت اول ماه مه در صفحه اول نشریه کار، ارگان اتحادیه‌های کارگری درج شده بود، اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به تمام کارگران و در وهله نخست به کارگران ایران شاد باش. بگویم. و بعد هم برای تلاش و مبارزه کارگران به منظور برپایی تشکلهای مستقل کارگری و تشکلهای سراسری، مستقل از دولت و جناح‌های حکومتی، مستقل از تشکلهای رژیم و نهادهای سیاسی وابسته به آن، مستقل از بورژوازی، به خواست و اراده، و توسط خود کارگران آرزوی موفقیت نمایم.

خلاصه ای از اطلاعیه‌ها

و بیانیه‌های سازمان

— در تاریخ ۱۳۸۲/۱/۲۷، سازمان ما با صدور اطلاعیه‌ای از مبارزه توده‌های مردم عراق علیه اشغال‌گران این کشور حمایت کرد. در این اطلاعیه با اشاره به تظاهرات و گردهم‌آیی در چندین شهر عراق از جمله در بغداد، موصل و بصره، گفته شده است که در تظاهرات مردم موصل که متجاوز از ده هزار نفر در آن شرکت کرده بودند، سربازان اشغال‌گر آمریکایی، مردم را به گلوله بستند که بر طبق آخرین اخبار تاکنون حداقل ۱۰ تن جان خود را از دست داده و متجاوز از صد نفر که مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند. در این اطلاعیه همچنین تلاش اسلام‌گرایان طرف‌دار حکومت اسلامی در شهرهای جنوبی عراق برای سلب ابتکار عمل از توده‌های مردم محکوم شده‌است. اطلاعیه سازمان در پایان خواهان خروج بی قید و شرط اشغال‌گران و انتقال قدرت، به توده‌های زحمتکش مردم شده است که از هم اکنون در کمیته‌ها و شوراهای محلات متشکل شده‌اند.

— «گسترش اعتراضات کارگری» عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۳۱ فروردین ماه انتشار یافت. این اطلاعیه خبر از اعتراضات کارگران چندین کارخانه داده است. در حالی که مذاکرات کارگران چیت سازی به شهر با نمایندگان دولت به نتیجه‌ای نرسیده و کارگران چیت به شهر همچنان به مبارزات خود ادامه می دهند، کارگران کفش شادان پور نیز که بیش از یک سال است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند، در تاریخ ۳۰ فروردین ماه مجدداً یک تجمع اعتراضی برپا کردند. در همین حال گروهی از کارگران کنف استان گیلان نیز به منظور تحت فشار قراردادن مقامات دولتی، با پای پیاده روانه تهران شدند. اطلاعیه سپس می‌افزاید که کارگران کارخانه صنعتی نقش جهان قزوین نیز که در ۶ ماه گذشته حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند، با برپایی یک تجمع اعتراضی، خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

اطلاعیه سازمان ضمن حمایت از مبارزات و مطالبات این کارگران، ترفندهای دولت و سرمایه‌داران را برای تعطیل برخی کارخانه‌ها و اخراج کارگران محکوم نموده و خواهان توقف این اقدامات و پرداخت حقوق و مزایای معوقه کارگران شده است.

— تشکلات خارج کشور سازمان در تاریخ ۲۱ آوریل ۲۰۰۳ با صدور اطلاعیه‌ای هشدار داد که جان پناهجویان در مرز اردن و عراق در خطر است. اطلاعیه تشکلات خارج کشور سازمان ضمن اشاره به تجاوز نظامی بلوک امپریالیستی آمریکا - انگلستان به عراق و تبعات سنگینی که این تجاوز در پی دارد و خواهد داشت، به یکی از نتایج نگران کننده این جنگ می‌پردازد.

در این اطلاعیه آمده است که کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل از وخامت وضعیت نزدیک به ۹۰۰ پناهجو خبر داده که در مرز اردن و عراق سرگرداند. برخی از آنان باید فوراً تحت معالجات پزشکی قرار گیرند که در منطقه امکان آن وجود ندارد. در میان این پناهجویان که اکثر ایرانی و فلسطینی هستند ۴۰۰ کودک وجود دارد. دولت اردن با ورود این پناهجویان به خاک این کشور مخالفت کرده است. اطلاعیه تشکلات خارج کشور سازمان سپس با ابراز نگرانی از وضعیت وخیم این پناهجویان از کلیه سازمان‌های بین‌المللی مسئول و مدافع حقوق پناهندگان می‌خواهد که هرچه سریع‌تر اقدامات فوری برای نجات جان این پناهندگان را در دستور کار قرار دهند و از سازمان‌های اپوزیسیون انقلابی ایران نیز خواهان تشدید اقدامات اعتراضی و حمایت از این پناهجویان شده است.

۱۲ آوریل : ادامه مبارزه علیه جنگ

به‌رغم تبلیغات همه‌جانیه روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون های وابسته به دولت های غربی مبنی بر پایان جنگ امپریالیست ها علیه مردم بی دفاع عراق، مجدداً روز ۱۲ آوریل بیش از ۲ میلیون نفر طی یک‌رشته تظاهرات و راهپیمایی در خیابان‌های صدها شهر جهان اعتراض خود را به جنگ امپریالیست‌ها علیه مردم عراق به نمایش گذاشتند. اکنون پس از فروکش عملیات نظامی در خاک عراق، تمام مردم جهان شاهد رشد و گسترش مخالفت مردم ستم‌دیده این کشور با اشغال‌گران امپریالیست هستند. به همین دلیل یکی از شعارهای اصلی تظاهرکنندگان ضد جنگ در روز ۱۲ آوریل، خروج فوری و بی قید و شرط نیروهای اشغال‌گر ائتلاف امپریالیست‌ها به سرکردگی آمریکا بود.

- در این روز بیش از ۵۰۰ هزار نفره خیابان‌های شهر رم آمده و با راهپیمایی و تجمع در یکی از میدانی مرکزی شهر، خواهان توقف سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیست‌های آمریکایی و توقف فوری حمایت دولت ایتالیا از این اقدامات جنایت‌کارانه شدند. یکی از سخنرانان تجمع این روز، فاستو برتیونتی از حزب تجدید بنای کمونیستی، PRC بود. وی در سخنان خود یادآور شد که هرچند مرحله کشتار مستقیم در عراق پایان یافته، اما نباید فراموش کنیم که استراتژی آمریکا مبنی بر استفاده از جنگ‌های پیش‌گیرنده به بهانه مبارزه با تروریسم مادر واقع برای تحمیل و گسترش هرزمنی خود، یکی از خطرات عمده‌ای است که بشریت را تهدید می‌کند. وظیفه جنبش جهانی صلح، دفاع از حق حاکمیت و زندگی میلیون‌ها انسان و مقابله با اقدامات جنایت‌کارانه امپریالیست‌ها خواهد بود.

- در اسپانیا هم صدها هزار نفر در راهپیمایی و تجمعات اعتراضی شرکت نموده و خشم و نفرت خود را از جنگ و کشتار امپریالیست‌ها به نمایش گذاشتند. در شهر بارسلون بیش از ۲۰۰ هزار نفر ضمن حرکت در خیابان‌های مرکزی شهر، خواهان استعفا فوری دولت راست افراطی این کشور شدند. دولت اسپانیا، به‌رغم مخالفت گسترده و عظیم اکثریت مردم این کشور با سیاست‌های جنگ‌طلبانه امپریالیست‌ها، از جمله چند کشور عضو ائتلاف امپریالیستی است که جنگ و ویرانی را به بهانه آزادی مردم از رژیم دیکتاتوری صدام حسین، برای مردم ستم‌دیده و بی دفاع عراق در ارمغان بردند. گذشته از بارسلون، روز ۱۲ آوریل شهر مادرید نیز شاهد برپایی راهپیمایی و تجمع اعتراضی بیش از ۲۰۰ هزار نفر بود که ضمن مخالفت با جنگ‌طلبان امپریالیست، خواهان خروج فوری سربازان اشغال‌گر ارتش مهاجم از خاک عراق شدند.

- شهر لندن نیز در این روز شاهد اعتراض بیش از ۲۰۰ هزار نفر از مخالفین جنگ بود. دولت این کشور به رهبری تونی بلر، بزرگترین سهم را، پس نیروهای نظامی امپریالیست‌های آمریکایی، به سربازان انگلیس اختصاص داد

که در این جنگ‌دست به کشتار و ویرانی مردم بی دفاع عراق زدند. به همین دلیل تظاهرکنندگان در این روز با شعارهای خود به دولت این کشور یادآوری نمودند که این اقدامات جنایت‌کارانه را فراموش نکرده و تونی بلر باید هرچه زودتر به فکر ترک صحنه سیاست در انگلستان باشد. چندین شخصیت سیاسی و هنری طی سخنانی در این روز اشغال‌خاک عراق توسط نیروهای نظامی ائتلاف امپریا - لیست‌ها را مغایر با قوانین بین‌المللی اعلام نموده و اقدامات جنایت‌کارانه سربازان ارتش‌های انگلستان و آمریکا را نه آزادی مردم بلکه اشغال عراق خواندند.

- در این روز بیش از ۱۰۰ هزار نفر در ۸۰ شهر فرانسه نیز به خیابان‌ها آمدند و اعتراض و انزجار خود از کشتار مردم بی دفاع عراق توسط سربازان ائتلاف امپریالیست‌ها را به نمایش گزاردند. در پاریس بیش از ۱۰ هزار نفر ضمن راهپیمایی در خیابان‌ها خواهان خروج فوری سربازان آمریکایی و انگلیسی از خاک عراق شدند. در پیشاپیش صفوف راهپیمایان پلاکاردهای بزرگی حمل می‌شد که بر روی آن نوشته بود: "عراق به مردم عراق تعلق دارد." از دیگر شعارهای این روز "آری به عراق دمکراتیک و مستقل" و "آمریکایی به خانه ات برگرد" بود.

- شهر برلین هم در این روز شاهد راهپیمایی بیش از ۱۵ هزار نفر بود که خواهان توقف فوری اقدامات جنگ‌طلبانه آمریکا و انگلستان و ترک خاک عراق از سوی سربازان این دو کشور بود. تظاهرکنندگان در این روز پلاکاردهای بزرگی را که بر روی آن نوشته شده بود "صلح‌آری" اشغالگری "نه" بر دروازه براندنبورگ نصب نمودند. - شهرهای مختلف آمریکا در این روز شاهد حضور دهها هزار نفر از مخالفین جنگ در خیابان‌ها و برگزاری راه‌پیمایی و تجمعات اعتراضی از سوی آنان بود. در شهر واشنگتن بیش از ۳۰ هزار نفر پس از یک راهپیمایی طولانی در مقابل کاخ سفید تجمع نمودند. چند نفر از فعالین جنبش ضد جنگ در این تجمع اعتراضی به سخنرانی پرداختند و از جمله اشاره نمودند که اقدامات جنایت‌کارانه ائتلاف امپریالیستی را نه آزادسازی مردم عراق بلکه اشغال این کشور به منظور غارت و چپاول منابع طبیعی عراق می‌دانند. این تظاهرات و چندین حرکت مشابه در شهرهای دیگر، رسانه‌های گروهی این کشور را، که اغلب به موسسات عظیم سرمایه‌داری تعلق دارند، واداشت به این واقعبیت‌آشاره کنند که جنبش ضد جنگ از بین نرفته و با هر اقدام جنگ‌طلبانه دولت آمریکا باید انتظار گسترش بیش از پیش این جنبش جهانی را داشته‌باشد.

- یک رشته از کشورهای آمریکایی لاتین نیز در این روز شاهد اعتراض جنبش ضد جنگ علیه اقدامات امپریالیست‌ها بودند. بزرگترین حرکت اعتراضی در این روز در شهر مکزیکو سیتی انجام گرفت. در این شهر بیش از ۵۰ هزار نفر به خیابان‌ها آمده و ضمن راهپیمایی خواهان توقف فوری اقدامات جنگ‌طلبانه امپریالیست‌ها شدند. تظاهرکنندگان از دولت

صفحه ۴

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O. BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No.404 apr 2003

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی